

بررسی داستان «آدم‌های مشهور» اثر اورهام پاموک

«آدم‌های مشهور» نوشته اورهام پاموک نویسنده ترک که به گفته آقای بهارلو دو سال قبل برای نوشتن یک رمان، سفری مطالعاتی به ایران داشت، اثری است ناب و در تراز پرورده‌ترین داستان‌های کوتاه جهان. این داستان را مژده دقیقی به فارسی ترجمه کرده است که می‌شود گفت اولین ترجمه پاکیزه از آثار پاموک به زبان فارسی است. اغلب آثار پاموک از ترکی به فارسی ترجمه شده است که در ارائه زبان گفتاری مناسب لنگ می‌زند، و چه بسا همین کیفیت ترجمه رمان‌ها است که نظر خوانندگان فارسی‌زبان را نگرفته است. در یکی دو سال اخیر کتاب‌های پاموک در اروپا جزو پر فروش‌ترین‌ها است و پاره‌ای از کتاب‌های او به بیش از بیست زبان زنده جهان ترجمه شده است. پاموک در عین حال نویسنده و روشن‌فکری مستقل و با روحیه انتقادی است که پاره‌ای از مقالات و نظراتش دولت ترکیه و نظامیان متنفذ ترک را علیه او برانگیخته است.

راوی داستان «آدم‌های مشهور» یک کودک ده دوازده ساله است، و از همین‌رو تصویرها در داستان همه کودکانه‌اند، یعنی با نوعی معصومیت و سادگی و در عین حال شیرینی ارائه شده‌اند. آن‌چه حساسیت راوی را برمی‌انگیزد کاملاً عاطفی، غریزی و بازی‌گوشانه است و به هیچ‌وجه قلمرو «معقولات» را دربر نمی‌گیرد. بهارلو گفت: ماجرای ساده‌ای که در داستان اتفاق می‌افتد با تأمل فوق‌العاده‌ای بیان می‌شود، و آن‌چه بیان می‌شود در حقیقت درباره قبل از وقوع ماجرا است، برآمد انگیزه‌هایی است که ما باید به فراست حدس بزنیم. نویسنده بستار بازی را انتخاب کرده که خواننده را مخیر می‌سازد که سرانجام تفسیر خاص خودش را از داستان به‌دست دهد، به‌ویژه که داستان می‌تواند به شکل‌های متفاوتی تداوم پیدا کند.

«آدم‌های مشهور» داستان تلخی است، اگرچه بسیار تصویری است، و تلخی آن مستقیماً در کام خواننده نمی‌نشیند و تصویر در داستان جای دلالت و تعبیر را می‌گیرد. نمونه‌ی پرورده‌ی آن توصیف فضای تیره و تاریخانه‌ی مادر بزرگ است:

«پرده‌های ضخیم کشیده، غبار و نور کدوری که در فضای نمور اتاق‌ها معلق است.»

گره‌گاه داستان مستقیماً به چشم نمی‌آید. بستن چمدان پدر توصیف نمی‌شود، ما فقط صداهایی را از آن‌سوی دیوار اتاق می‌شنویم، و همین صداها است که سرانجام تصویری عینی و مؤثر پدید می‌آورند.

آن‌چه می‌توان از آن به «مفصل‌های داستان» (ارتباط بین دو زمان یا دو فضای متفاوت) تعبیر کرد کاملاً روان و مناسب انتخاب شده و به‌هیچ‌وجه خواننده را متوجه گسست‌ها یا پرش‌های زمان یا مکان نمی‌کند. در حقیقت از همین‌رواست که آرامش جاری

در داستان ملال آور یا تصنعی نمی‌نماید و با کنار هم گذاشتن نشانه‌های داستان یا عناصر ساختاری متن خواننده طعم و بوی داستان را کاملاً احساس می‌کند.

از طرف دیگر گفتار دوست پدر و اشاره به ازدواج زود هنگام او، اصرار پدر به بازگشت به خانه از ورزشگاه، نگاه خیره پدر به آژانس هواپیمایی، بی‌اعتنایی پدر نسبت به واکسن بچه‌ها، پناه بردن مادر به خانهٔ مادر بزرگی که خود و خانه‌اش غیرقابل تحمل‌اند، رقابت دو کودک که به باخت نهایی برادر کوچک منجر می‌شود، همه نشان از هندسه کاملاً منسجم داستانی دارد که حتی یک عنصر آن را هم نمی‌توان جابه‌جا کرد.

در خاتمه بهار لو افزود که «آدم‌های مشهور» پاموک خواننده را به یاد برخی از داستان‌های «در زمان ما» همینگوی (ماجراهای نوجوانی به نام «نیک آدامز») و دو داستان «دو سرباز» و «انبارسوزی» از مجموعه «گل سرخی برای امیلی» فاکنر می‌اندازد، گیرم می‌توان رگه‌هایی از این داستان‌ها را به وضوح در رمان معروف و الهام‌بخش «هکلبری فین» مارک توین یافت.